

رابطه‌ی عزت‌نفس و سبک‌های حل مساله با باورهای خودکارآمدی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل

عبدالرحیم غیائی

مریی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زابل

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه‌ی سبک‌های حل مساله و عزت‌نفس با باور به خودکارآمدی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی بود. جامعه‌ی آماری تحقیق، شامل تمام دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل در سال تحصیلی ۹۲-۹۳، بود ($N=3000$). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۰ نفر تعیین شد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که روایی آن بر پایه‌ی نظر شماری از اعضای هیئت‌علمی ترویج و آموزش کشاورزی و صاحب‌نظران مربوط تأیید شد و برای تعیین پایایی بخش‌های مختلف آن، از تتای ترتیبی استفاده شد ($\theta=0/76-0/89$). نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نشان داد که عزت‌نفس و سه سبک حل مساله‌ی خلاقیت، اعتماد و گرایش با باور به خودکارآمدی رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم و دو سبک درماندگی و مهارگری رابطه‌ی معنی‌دار معکوس دارند. همچنین یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون ترتیبی نشان داد که عزت‌نفس و سبک‌های حل مساله‌ی خلاقیت، گرایش و درماندگی قادرند ۵۷/۲ درصد از تغییرات واریانس باور به خودکارآمدی را در میان دانشجویان مورد مطالعه تبیین نمایند.

کلید واژه‌ها: عزت‌نفس، باور به خودکارآمدی، سبک‌های حل مسئله، دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی

نویسنده‌ی مسئول: عبدالرحیم غیائی

رایانامه: Gheyassia@gmail.com

دریافت: ۹۳/۷/۱۹؛ پذیرش: ۹۴/۰۵/۱۹

مقدمه

از دیگر دلیل‌های اهمیت مطالعه‌ی این متغیر آنست که بر اساس مرور ادبیات تحقیق در مطالعاتی که تاکنون در سطح کشور انجام گرفته است اشاره‌ای به سطح باور به خودکارآمدی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی نشده است و صرفاً تأثیر آن بر برخی از متغیرها نظیر کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است که مطالعات بارانی و همکاران (۱۳۸۸) و زمانی علایی و امیددی نجف‌آبادی (۱۳۹۳)، از آن جمله‌اند. بر این اساس به جرات می‌توان گفت که در مطالعاتی که تاکنون در داخل کشور در این حوزه انجام گرفته است این متغیر همواره نقش متغیر مستقل را ایفا نموده است و لذا بررسی و شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با آن در مطالعات صورت گرفته مغفول مانده است.

از آنجا که باور به خودکارآمدی متغیری روان‌شناختی است؛ لذا از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد. در راستای شناسایی این عوامل، همان‌گونه که اشاره شد، پژوهش حاضر بر آن است که رابطه‌ی دو متغیر عزت نفس و سبک‌های حل مساله را با باور به خودکارآمدی دانشجویان بررسی نماید. دلیل انتخاب این متغیرها نیز اهمیت بسیار بالایی است که این متغیرها در حوزه روانشناسی دارند. به عنوان مثال، روانشناسان این متغیرها را از عوامل موفقیت یا شکست افراد در شغل و به طور کلی زندگی می‌دانند (والنسیا، ۲۰۰۹). از سویی دیگر نیز، ادبیات تحقیق بیانگر آن است که رابطه‌ی این متغیرها با باور به خودکارآمدی تاکنون تأیید نگردیده است.

با توجه به این که متغیرهای مورد بحث در حوزه‌ی روانشناسی تعریف خاص خود را دارند که به احتمال با آن چه که در جامعه از آن‌ها برداشت می‌گردد تفاوت دارد، لذا به نظر می‌رسد ضروری است که در ادامه‌ی بحث این دو متغیر تعریف و بررسی شوند.

عزت نفس، به عنوان یکی از متغیرهای مورد بحث، در ادبیات روانشناسی، بدین صورت تعریف می‌گردد «ارزیابی کلی فرد از اهمیت و ارزش خود به عنوان یک انسان» (توماس و همکاران، ۲۰۱۱). بر پایه‌ی این تعریف مذکور می‌توان دریافت که عزت نفس دارای دو عنصر مهم است. اول، نوعی ارزیابی است. دوم، این ارزیابی می‌تواند مثبت، منفی یا مابین آن باشد (همان). ارزیابی فرد از خودش و ارزشی که برای خود قایل است می‌تواند اثر زیادی بر

با افزایش نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی در سالهای اخیر، می‌توان این‌گونه اظهار داشت که آینده‌ی شغلی دانشجویان این رشته‌ها و موفقیت آنان بستگی به رفتارهای خلاقانه‌ی آنان دارد. با توجه به اینکه نیرو محرکه‌ی اصلی رفتارهای خلاقانه باور به خودکارآمدی افراد است (تان و همکاران، ۲۰۱۳) به نقل از بندورا (۱۹۹۷). لذا ارزیابی باور به خودکارآمدی آنان و شناخت عوامل مرتبط با آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این راستا، هدف اصلی مطالعه‌ی حاضر ضمن ارزیابی باور به خودکارآمدی دانشجویان، بررسی ارتباط دو متغیر عزت نفس و سبک‌های حل مساله با آن است.

در این جا مناسب است قبل از پرداختن به مساله‌ی اصلی تحقیق، یادآور شود که باور به خودکارآمدی که به صورت قضاوت فرد درباره ظرفیت خود برای به نمایش گذاشتن یک فعالیت مشخص تعریف می‌گردد (لی و لی، ۲۰۱۴) ارتباط تنگاتنگی با متغیر شناخته شده‌ی خودکارآمدی دارد ولی متمایز از آن است. زیرا که خودکارآمدی اشاره به میزان خودکارآمد بودن فرد و باور به خودکارآمدی اشاره به سطح باورهای افراد درباره میزان خودکارآمدی‌شان دارد. نیز، اشاره می‌گردد که برخلاف نظر برخی از محققین و صاحب‌نظران از جمله جیندریچ (۲۰۰۹)، کرمی و اسماعیل (۲۰۱۴)، استیرز و همکاران (۲۰۰۴) و وات (۲۰۰۷)، که بر اهمیت خودکارآمدی تأکید دارند بسیاری از آنان معتقدند که باور به خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری برای موفقیت افراد است (چن، ۲۰۰۷). چرا که باور به خودکارآمدی بر کنش‌ها، انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و پشتکار افراد مؤثر است (چن، ۲۰۰۷) به نقل از بندورا، (۱۹۸۲). در این راستا بندورا (۱۹۹۷)، بیان می‌دارد که باور به خودکارآمدی احساس و تفکر افراد را نیز دگرگون می‌سازد و تأثیر نیرومندی بر رفتار آنان دارد (پاجارس و یوردان، ۲۰۰۶). بدین جهت است که از باور به خودکارآمدی به عنوان یکی از پایه‌های اساسی قصد کارآفرینی که نوعی تصمیم فردی به شمار می‌رود و بر اساس تفکر و انتخابی آگاهانه به وجود می‌آید (تونس و همکاران، ۲۰۱۵)، نام برده می‌شود (کشاورز، ۱۳۹۳).

می‌توان با شناخت عوامل‌های مرتبط با آن و از طریق آموزش و یادگیری در آن‌ها تغییرهایی ایجاد کرد. در این راستا، این مطالعه بر آنست تا میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل را شناسایی نموده تا در صورت کاستی، راهکارهای لازم توسط ارباب‌تعلیم و تربیت صورت پذیرد. در این راستا، این مطالعه هدف‌های زیر را نیز دنبال می‌کند:

- تعیین رابطه‌ی بین سبک‌های حل مساله و باور به خودکارآمدی دانشجویان
- تعیین رابطه‌ی بین عزت‌نفس و باور به خودکارآمدی دانشجویان
- تبیین سهم عزت‌نفس و سبک‌های حل مساله در تبیین باور به خودکارآمدی دانشجویان

روش شناسی

این تحقیق از نظر هدف؛ کاربردی، از لحاظ گردآوری داده‌ها؛ پیمایشی و از لحاظ روش تحلیل داده‌ها از نوع علی-ارتباطی است که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل انجام شد ($N=300$). حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۸ نفر برآورد شد که برای دقت بیشتر به ۲۱۰ نفر افزایش یافت. نحوه‌ی محاسبه بدین شرح است که در آن N حجم جامعه‌ی آماری، n مقدار نمونه‌ی مورد برداشت، S انحراف معیار متغیر وابسته و d دقت احتمالی مطلوب است.

برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب استفاده شد.

ابزار جمع‌آوری پژوهش پرسشنامه بوده که از چهار بخش پرسش‌های جمعیت شناختی (دموگرافیک)، پرسشنامه‌ی سبک‌های حل مساله، پرسشنامه‌ی عزت‌نفس و پرسشنامه‌ی باور به خودکارآمدی تشکیل شده بود. پرسشنامه‌ی باور به خودکارآمدی که توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲)، طراحی شده و دارای ۱۷ گویه می‌باشد با مقیاس لیکرت از بسیار مخالف تا بسیار موافق (از یک تا پنج) برحسب شیوه‌نامه‌ی راهنمای پرسشنامه امتیازدهی شد که کم‌ترین و بیش‌ترین نمره‌ی گرفته شده در این مقیاس به ترتیب ۱۷ و ۸۵ است.

پرسشنامه‌ی عزت‌نفس روزنبرگ نیز دارای ۱۰ گویه

روان فرد داشته باشد (لانکو و همکاران، ۲۰۱۵) بر این مبنا، به نظر می‌رسد این متغیر با باور به خودکارآمدی که یک قابلیت روانی است نیز مرتبط است که در این مطالعه بررسی خواهد گردید.

یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی این مطالعه، سبک‌های حل مساله‌ی افراد است. این متغیر در حوزه روانشناسی به دلیل مرتبط بودن با روان و رفتار افراد از اهمیت روز افزونی برخوردار است.

سبک‌های حل مساله‌ی افراد اشاره به سبک‌های ترجیحی آنان هنگام برنامه‌ریزی کردن، ایده‌پردازی، آمادگی آنان برای عمل به هنگام مواجهه با مشکلات و همچنین مدیریت تغییر اشاره دارد (ایساکسن، ۲۰۱۰). بنابراین، هر فرد بنا به ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خود، سبکی را برای حل مساله‌هایی که با آن‌ها روبرو می‌شود در پیش می‌گیرد که برخی از این سبک‌ها سازنده بوده و به پیشرفت فرد کمک می‌کند و برخی نیز هیجانی و غیر سازنده بوده و فرد را از پیشرفت باز می‌دارد (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰؛ زارغان و همکاران، ۱۳۸۶).

در این خصوص، مرور ادبیات تحقیق نیز بیانگر آن است که اهمیت و ارتباط این متغیر با موفقیت و شکست فرد در مطالعات گذشته به اثبات رسیده است. به طور مثال، می‌توان گفت که دانشجویان در هنگام تحصیل و پس از آن در زندگی شغلی همواره با مساله‌های کوچک و بزرگی مواجه هستند و سبک برخورد آن‌ها با آن مساله‌ها و به عبارتی سبک حل مساله‌ی انتخابی آنان، موفقیت یا شکست آنان را رقم می‌زند.

بنا به اهمیت این متغیر، یکی از سؤال‌هایی که به ذهن می‌رسد این است که آیا سبکی که افراد هنگام مواجهه با مساله و مشکل انتخاب می‌کنند با قضاوتی که آنان درباره ظرفیتشان برای به نمایش گذاشتن یک فعالیت دارند (باور به خودکارآمدی) مرتبط است؟ بر این پایه، یکی دیگر از اهداف پیش روی این مطالعه یافتن پاسخی برای این سؤال است.

از آنجا که اعتقاد بر این است که باورها آموخته می‌شوند (فلیمن، ۲۰۰۳؛ وال، ۲۰۰۶؛ گئورگ، ۲۰۱۰؛ شت، ۲۰۱۱؛ لاوتون، ۲۰۱۵) و از عوامل‌های بسیاری متأثر می‌گردند.

هیئت علمی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زابل که از سابقه‌ی پژوهشی در این زمینه برخوردار بودند قرار گرفت و تأیید گردید. نیز بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته بخش‌های مختلف ابزار اندازه‌گیری از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار است؛ لذا برای تأیید پایایی پرسش‌نامه، یک بررسی پیش‌آهنگ با استفاده از ۳۰ نفر از دانشجویان بیرون از نمونه‌ی مورد بررسی انجام شد که نتایج ترتیبی حاصل برای پرسشنامه‌های سبک‌های حل مساله، عزت نفس و باور به خودکارآمدی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۵ و ۰/۸۹ به دست آمد.

برای گروه‌بندی میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان و میزان استفاده آنان از سبک‌های حل مساله برحسب سطوح کم، متوسط و زیاد پس از جمع پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌ها از تفاوت انحراف معیار از میانگین ISDM به صورت زیر استفاده شد (گنگادهارا، ۲۰۰۷).

$$A < Mean - \frac{1}{2} Sd \quad \text{کم}$$

$$Mean - \frac{1}{2} Sd \leq B \leq Mean + \frac{1}{2} Sd \quad \text{متوسط}$$

$$C > Mean + \frac{1}{2} Sd \quad \text{زیاد}$$

رویه‌های مورد اشاره با توجه به ماهیت متغیر (سازنده/ غیره سازنده) مطلوب یا نامطلوب ارزیابی شدند. اطلاعات به دست آمده از نرم‌افزار SPSS_{win21} و با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ترتیبی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

می‌باشد که برخی از گویه‌ها به صورت مثبت و برخی به صورت منفی بیان گردیده‌اند. این پرسشنامه به صورت مقیاس لیکرت چهارگزینه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق از صفر تا سه برحسب شیوه‌نامه‌ی راهنمای پرسشنامه امتیازدهی شد. در این پرسشنامه کم‌ترین و بیش‌ترین نمره کسب‌شده به ترتیب صفر و ۳۰ می‌باشد که نمره‌ی بالاتر از ۲۵ بیانگر عزت نفس بالا، بین ۱۵ تا ۲۵ بیانگر عزت نفس متوسط و کمتر از ۱۵ بیانگر عزت نفس پایین می‌باشد (برخورداری، ۱۳۸۸). برای سنجش سبک‌های حل مساله‌ی دانشجویان نیز از پرسشنامه‌ی سبک‌های حل مساله‌ی کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ جمله و یک شیوه‌نامه دستورالعمل است که شیوه‌ی نمره‌گذاری و تکمیل پرسشنامه را نشان می‌دهد. این پرسشنامه شش سبک درماندگی در حل مساله، مهارگری حل مساله، سبک اجتناب، سبک حل مساله خلاقانه، اعتماد در حل مساله و سبک گرایش را می‌سنجد. (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰) که سه سبک نخست هیجان مدار و غیر سازنده و سه سبک دیگر مساله مدار و سازنده می‌باشند (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰؛ زارعان و همکاران، ۱۳۸۶) در جدول ۱ هر یک از سبک‌های حل مساله تعریف گردیده‌اند.

با وجود این که بخش‌های مختلف ابزار سنجش در تحقیق‌های پیشین، در داخل و خارج کشور، پرشمار مورد استفاده واقع شده بودند ولی با توجه به اینکه، ابتدا به فارسی و بار دیگر به انگلیسی برگردانده شده و سپس با متن اصلی مطابقت داده شده است. برای تأیید روایی نسخه نهایی، ابزار تحقیق در اختیار شماری از اعضای

جدول ۱- مؤلفه‌های پرسشنامه‌ی سبک‌های حل مسئله

سبک	تعریف
درماندگی	این سبک بیانگر بی‌باوری فرد در موقعیت‌های مسئله‌زا است (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰؛ غلامی و باقری، ۲۰۱۳). انفعال و کنش‌پذیری از ویژگی‌های افرادی است که از این سبک حل مساله استفاده می‌نمایند (گرگوری، ۲۰۱۰).
مهارگری	این سبک حل مسئله، به تأثیر کنترل‌کننده‌های بیرونی و درونی در موقعیت مسئله‌زا اشاره دارد (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰؛ قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۱).
خلاقیت	سبک حل مسئله خلاقانه، نشان‌دهنده‌ی برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن راه‌حل‌های متنوع برحسب موقعیت مسئله‌زا است (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶).
اعتماد	سبک اعتماد در حل مسئله، بیانگر اعتقاد در توانایی فرد برای حل مشکلات است (گرگوری، ۲۰۱۰).
گرایش	سبک گرایش، نگرش مثبت نسبت به مشکلات و تمایل به مقابله‌ی رودررو با آن‌ها را نشان می‌دهد (بیکر، ۲۰۰۳).
اجتناب	سبک اجتناب‌گویی تمایل به نادیده گرفتن مشکلات به جای مقابله با آن‌ها است (بیکر، ۲۰۰۳).

دانشجویان (۶۲/۹ درصد)، دارای عزت نفس متوسط، ۲۴/۳ درصد دارای عزت نفس پایین و ۱۲/۹ درصد نیز دارای عزت نفس بالا می‌باشند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی میزان عزت نفس دانشجویان

عزت نفس	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی انباشته
پایین	۵۱	۳/۲۴	۳/۲۴
متوسط	۱۳۲	۹/۶۲	۱/۸۷
بالا	۲۷	۹/۱۲	۱۰۰
جمع	۲۱۰	۱۰۰	

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار نمره‌ی شش سبک حل مساله را در دانشجویان نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مذکور قابل مشاهده می‌باشد، میانگین سبک‌های گرایش و خلاقیت به ترتیب بالاتر از سایر سبک‌ها و میانگین سبک درماندگی پایین‌تر از سایر سبک‌ها است. جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین سبک حل مساله‌ی مساله مدار یا سازنده بالاتر از سبک حل مساله‌ی غیر سازنده یا هیجانی می‌باشد.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار سبک‌های حل مسئله دانشجویان

سبک	میانگین	انحراف معیار	حداقل و حداکثر نمره‌ی قابل کسب در آزمون
سبک درماندگی	۵/۳۰	۱/۲۸	۴-۸
سبک مهارگری	۵/۵۷	۱/۱۱	۴-۸
سبک خلاقیت	۷/۰۰	۱/۰۹	۴-۸
سبک اعتماد	۶/۴۵	۱/۱۴	۴-۸
سبک اجتناب	۶/۱۴	۱/۰۸	۴-۸
سبک گرایش	۷/۰۸	۱/۰۳	۴-۸
هیجان مدار	۱۷/۰۱	۲/۴۱	۱۲-۲۴
مسئله مدار	۲۰/۵۳	۲/۴۷	۱۲-۲۴

نتایج پژوهش بیانگر آن است که بیشتر دانشجویان مورد مطالعه در استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی مهارگری، خلاقیت و گرایش در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به این ترتیب بیشتر دانشجویان مورد مطالعه در استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی مساله مدار و هیجان مدار به ترتیب در وضعیت مطلوب و به طور نسبی مطلوب قرار دارند.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ۷۵/۷ درصد (۱۵۶ نفر) از پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی و ۲۴/۳ درصد (۵۰ نفر)، در مقاطع تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل می‌باشند. ۴ نفر (۱/۹)، نیز مقطع تحصیلی خود را مشخص نکرده بودند. از نظر جنس ۱۰۲ نفر (۴۸/۶ درصد)، از پاسخگویان مرد و ۱۰۲ نفر (۴۸/۶ درصد)، زن بوده است. ۶ نفر (۲/۹ درصد)، نیز جنسیت خود را مشخص نکرده بودند. از نظر زمینه‌ی تحصیلی ۱۵۳ نفر (۷۲/۹ درصد) از پاسخگویان دانشجوی رشته کشاورزی و ۴۳ نفر (۲۰/۵ درصد) دانشجوی منابع طبیعی بودند. ۱۴ نفر (۶/۷ درصد)، نیز زمینه تحصیلی خود را مشخص نکرده بودند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۲۲/۵۶ با انحراف معیار ۳/۱۱ و کمینه و بیشینه ۱۸ و ۴۰ سال بودند.

میانگین نمره‌ی عزت نفس پاسخگویان ۱۸/۹۸ با انحراف معیار ۵/۱۰ می‌باشد. کم‌ترین و بیش‌ترین امتیاز کسب شده به ترتیب ۴ و ۳۰ بودند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در این آزمون افراد نمره‌ای بین ۰ تا ۳۰ کسب می‌کنند. با توجه به این شیوه‌ی نمره‌گذاری، غالب

به جهت مطالعه‌ی دقیق‌تر میزان استفاده از هر یک از سبک‌های حل مساله توسط پاسخگویان، امتیازهای به دست آمده‌ی آنان با استفاده از فرمول انحراف معیار از میانگین (ISDM) به سه طبقه، طبقه‌بندی گردید که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد. جدول ۴ بیانگر آن است که بیشتر دانشجویان مورد مطالعه از سبک حل مساله‌ی درماندگی به صورت نامطلوبی (زیاد) استفاده می‌کنند.

جدول ۴- توزیع فراوانی میزان استفاده از سبک‌های حل مساله توسط دانشجویان مورد مطالعه

نما	درصد فراوانی	فراوانی	سطوح	باور به خودکارآمدی
نامطلوب	۳۸/۱	۸۰	مطلوب (کم)	سبک درماندگی
	۲۲/۹	۴۸	نسبتاً مطلوب (متوسط)	
مطلوب	۳۹/۰	۸۲	نامطلوب (زیاد)	سبک مهارگری
	۴۴/۸	۹۴	مطلوب (کم)	
مطلوب	۲۳/۸	۷۱	نسبتاً مطلوب (متوسط)	سبک خلاقیت
	۲۱/۴	۴۵	نامطلوب (زیاد)	
نسبتاً مطلوب	۴۴/۳	۹۳	مطلوب (زیاد)	سبک اعتماد
	۲۴/۳	۵۱	نسبتاً مطلوب (متوسط)	
نسبتاً مطلوب	۳۱/۴	۶۶	نامطلوب (کم)	سبک اجتناب
	۲۳/۸	۵۰	مطلوب (زیاد)	
نسبتاً مطلوب	۵۷/۱	۱۲۰	نسبتاً مطلوب (متوسط)	سبک گرایش
	۱۹	۴۰	نامطلوب (کم)	
مطلوب	۲۳/۳	۴۹	مطلوب (کم)	هیجان مدار
	۴۰	۸۴	نسبتاً مطلوب (متوسط)	
مطلوب	۳۶/۷	۷۷	نامطلوب (زیاد)	مسئله مدار
	۴۵/۲	۹۵	مطلوب (زیاد)	
نسبتاً مطلوب	۲۴/۸	۵۲	نسبتاً مطلوب (متوسط)	سبک گرایش
	۳۰	۶۳	نامطلوب (کم)	
مطلوب	۲۷/۶	۵۸	مطلوب (کم)	هیجان مدار
	۴۱/۴	۸۷	نسبتاً مطلوب (متوسط)	
مطلوب	۳۱/۰	۶۵	نامطلوب (زیاد)	مسئله مدار
	۳۸/۱	۸۰	مطلوب (زیاد)	
	۲۴/۸	۵۲	نسبتاً مطلوب (متوسط)	
	۳۷/۱	۷۸	نامطلوب (کم)	

جدول ۵- توزیع فراوانی میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان

باور به خودکارآمدی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم (نامطلوب)	۷۵	۳۵/۷	۳۵/۷
متوسط (نسبتاً مطلوب)	۶۰	۲۸/۶	۶۴/۳
زیاد (مطلوب)	۷۵	۳۵/۷	۱۰۰
جمع	۲۱۰	۱۰۰	

بر اساس جدول ۶ مشاهده می‌گردد که همه‌ی سبک‌های حل مساله به جز سبک حل مساله‌ی اجتناب رابطه‌ی معنی‌داری با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان دارند. نتایج این آزمون نشان داد که برخی از سبک‌های حل مساله (درماندگی، مهارگری) دارای رابطه‌ی معکوس و برخی از سبک‌ها (اعتماد، خلاقیت، گرایش) دارای رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان می‌باشند. همان‌گونه که قبلاً

یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین امتیاز باور به خودکارآمدی پاسخگویان ۵۶/۶۵ با انحراف معیار ۱۱/۱۴ می‌باشد. کم‌ترین و بیش‌ترین امتیاز کسب شده به ترتیب ۱۷ و ۸۵ می‌باشد. جهت مطالعه‌ی دقیق‌تر باور به خودکارآمدی دانشجویان، نمرات کسب‌شده‌ی آنان با استفاده از فرمول انحراف معیار از میانگین (ISDM) به سه طبقه، طبقه‌بندی گردید.

جدول ۵، توزیع فراوانی میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود ۳۵/۷ درصد پاسخگویان از باور به خودکارآمدی کم (نامطلوب) برخوردارند. به همین نسبت نیز از باور به خودکارآمدی زیاد یا مطلوبی برخوردارند.

برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای عزت‌نفس و سبک‌های حل مساله با متغیر باور به خودکارآمدی دانشجویان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۶ مشاهده می‌گردد.

با توجه به مقدار به دست آمده برای آماره‌ی کای اسکویر ($\chi^2=148/895, P=0/000$) می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مدل لوجیت یک مدل مناسب بوده و متغیرهای مستقل به خوبی قادرند احتمال تغییر سطوح متغیر وابسته را تبیین نمایند. جدول ۸ نیز بیانگر آزمون نکویی برازش است. نتایج جدول ۸، حاکی از آن است که داده‌های مشاهده شده با مدل برآورد شده تناسب دارند. از آنجا که فرضیه صفر در این مدل رد نشده است پس می‌توان نتیجه‌گیری نمود که داده‌ها و مدل پیش‌بینی شده سازگاری دارند و مدل مناسب است.

جدول ۸- نتیجه‌ی آزمون نکویی برازش

مدل	Sig	Df	χ^2
پیرسون	۰/۷۵۴	۲۲۰	۲۰۵/۲۷۸
انحراف	۰/۸۳۵	۲۲۰	۱۹۹/۵۷۱

Link function: logit

پس از ارزیابی برازش مدل، متغیرهای مؤثر بر باور به خودکارآمدی دانشجویان بررسی گردیدند. این تحقیق نشان داد که از مجموع متغیرهای وارد شده (شش متغیر) چهار متغیر بر باور به خودکارآمدی دانشجویان مؤثر می‌باشند (جدول ۹). نیز مقدار سه ضریب تعیین کاکس و اسنل (Cox and Snell)، ناگل کرک (Nagelkerke) و مک فادن (McFadden) که به آماره‌های ضریب تعیین پزودو شهرت دارند به ترتیب ۰/۵۰۸، ۰/۵۷۲ و ۰/۳۲۴ به دست آمد (جدول ۹).

این ضریب‌ها در واقع تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند و بیانگر میزان توانایی متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات سطح متغیر وابسته هستند. با عنایت به سه آماره‌ی مذکور، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مؤلفه‌های مورد مطالعه قادرند بخشی از تغییرات باور به خودکارآمدی دانشجویان را تبیین نمایند. به طوری که بر اساس آماره ناگل کرک این میزان ۵۷/۲ درصد است. همچنین نتایج آماره‌ی والد (Wald) و برآورد میزان احتمال تأثیر رگرسیونی هر یک از متغیرهای مؤثر بر باور به خودکارآمدی دانشجویان در جدول ۸ مشاهده می‌گردد. بر اساس جدول ۸ شاخص برآورد متغیر عزت‌نفس،

اشاره گردید سبک‌های حل مساله‌ی خلاقیت، اعتماد و گرایش سازنده یا مساله مدار می‌باشند و سه مورد دیگر غیر سازنده یا هیجان مدار می‌باشند که نتایج آزمون همبستگی نشان از آن دارد که سبک‌های حل مساله‌ی مساله مدار دارای رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان می‌باشد.

همچنین سبک حل مساله‌ی هیجان‌مدار رابطه‌ی معنی‌دار معکوس با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان دارد (جدول ۶). همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌گردد بین متغیر عزت‌نفس و میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان نیز رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم وجود دارد ($P=0/000$ و $T=0/56$).

جدول ۶- همبستگی باور به خودکارآمدی دانشجویان و متغیرهای تحقیق

متغیر	r	سطح معنی‌داری
سبک درماندگی	-۰/۵۱**	۰/۰۰
سبک مهارگری	-۰/۳۵**	۰/۰۰
سبک خلاقیت	۰/۵۷**	۰/۰۰
سبک اعتماد	۰/۳۲**	۰/۰۰
سبک اجتناب	-۰/۱۳	۰/۰۵
سبک گرایش	۰/۴۹**	۰/۰۰
سبک هیجان‌مدار	-۰/۴۹**	۰/۰۰
سبک مسئله‌مدار	۰/۶۰**	۰/۰۰
عزت‌نفس	۰/۵۶**	۰/۰۰

* سطح معنی‌داری در سطح ۵ درصد

** سطح معنی‌داری در سطح ۱ درصد

با توجه به مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، برای بررسی چگونگی تغییرات متغیر وابسته (باور به خودکارآمدی) بر اساس تغییرات متغیرهای مستقل (عزت‌نفس و کلیه مؤلفه‌های سبک‌های حل مساله به جز سبک اجتناب) از رگرسیون ترتیبی استفاده شد. نتیجه‌ی آزمون نسبت احتمال در جدول ۷ مشاهده می‌گردد.

جدول ۷- نتیجه‌ی آزمون نسبت احتمال

اطلاعات برازش مدل			
مدل	Sig	Df	χ^2
مدل پایه	۰/۰۰۰	۱۲	۱۴۸/۸۹۵
مدل نهایی			۲۴۰/۵۹۷

Link function: logit

خودکارآمدی آنان می‌باشند. بدین صورت که سبک‌های حل مساله‌ی درماندگی و مهار گری رابطه‌ی معنی‌دار معکوس با باور به خودکارآمدی دانشجویان دارند. سبک درماندگی، بیانگر تنهایی و بی‌یاوری فرد در موقعیت‌های مساله‌زا است؛ لذا کسانی که در مواجهه با مسائل از این سبک استفاده می‌کنند به دلیل احساس تنهایی و عدم داشتن پشتوانه‌ی لازم از باور به خودکارآمدی لازم برخوردار نخواهند بود؛ همچنین نتایج یافته‌ها نشان داد که سبک‌های حل مساله‌ی خلاقیت، اعتماد و گرایش رابطه‌ی مستقیم معنی‌دار با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان دارند. بدین صورت که دانشجویانی که از سبک حل مساله‌ی خلاقانه استفاده می‌کنند در مواجهه با مسائل و مشکلات از برنامه‌ریزی برخوردار بوده و راه‌حل‌های متنوعی را برای حل آن در نظر خواهند گرفت. لذا اتخاذ راه‌حل‌های متنوع و داشتن برنامه‌ریزی باعث افزایش میزان باور افراد به توانایی و قابلیت‌های خود می‌شود. همچنین افرادی که در مقابله با مشکلات به توانایی‌های خود اعتقاد دارند، از میزان باور به خودکارآمدی بالاتری برخوردارند و برعکس کسانی که به توانایی خود در هنگام روبرویی با مشکلات اعتقاد ندارند از باور به خودکارآمدی پایین‌تری برخوردارند. همچنین کسانی که نگرش مثبتی نسبت به مشکلات دارند و تمایل دارند با مشکلات مقابله‌ی رو در رو داشته باشند از میزان باور به خودکارآمدی بالایی برخوردار خواهند بود.

نتیجه‌ی آزمون همبستگی نشان از آن دارد که سبک حل مساله‌ی مساله مدار، دارای رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان می‌باشد. به طوری که دانشجویانی که هنگام روبرویی با مشکلات و مسائل بر خود مساله تمرکز نموده و سعی در حل آن دارند و به صورت هیجانی عمل نمی‌کنند از باور به خودکارآمدی بالاتری برخوردارند. همچنین نتایج نشان داد که سبک حل مساله‌ی هیجان مدار دارای رابطه‌ی معنی‌دار معکوس با میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان است. بدین معنی که کسانی که هنگام مواجهه با مساله‌ها به صورت هیجانی عمل نموده، احساس تنهایی می‌کنند و تمایل به نادیده گرفتن مساله‌ها به جای مقابله با آن‌ها دارند از باور به خودکارآمدی پایین‌تری برخوردار خواهند بود.

۲/۶۷۳ محاسبه شده است که نشان‌دهنده‌ی آن است که در شرایط ثابت ماندن تأثیر متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در متغیر مستقل عزت نفس، موجب افزایش ۲/۶۷۳ واحدی در نسبت لگاریتم متغیر میزان باور به خودکارآمدی می‌گردد.

شاخص برآورد سبک حل مساله خلاقیت بعد از متغیر عزت نفس از اهمیت برخوردار است. به طوری که می‌توان گفت که در شرایط ثابت ماندن تأثیر متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در متغیر مستقل سبک حل مساله خلاقیت، موجب افزایش ۱/۹۲ واحدی در نسبت لگاریتم متغیر میزان باور به خودکارآمدی می‌گردد.

جدول ۹- تخمین پارامترهای مؤثر بر متغیر وابسته‌ی باور به خودکارآمدی دانشجویان

متغیر	برآورد	S.E	Wald	P
خلاقیت	92/1	445/0	640/18	000/0
گرایش	516/1	435/0	162/12	000/0
درماندگی	135/1-	420/0	322/7	007/0
عزت نفس	673/2	743/0	942/12	000/0

Cox and Snell=۰/۵۰۸, Nagelkerke= ۰/۵۷۲, McFadden = ۰/۳۲۴

بحث و نتیجه‌گیری

به جهت نقش اساسی باور به خودکارآمدی در بروز رفتارهای خلاقانه که موجب موفقیت شغلی افراد می‌گردد، شناسایی عوامل مرتبط با آن اهمیت زیادی دارد. بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه عزت نفس و سبک‌های حل مساله با باورهای خودکارآمدی دانشجویان انجام گرفت.

نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که نزدیک به دو سوم (۶۴/۳ درصد) دانشجویان مورد مطالعه از باور به خودکارآمدی مطلوبی برخوردار نیستند. بر این اساس، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که دانشگاه نتوانسته است زمینه‌ی ارتقا باور به خودکارآمدی دانشجویان را فراهم نماید. لذا به نظر می‌رسد انجام مطالعات بیشتری در خصوص شناسایی عوامل و موانع ارتقا باور به خودکارآمدی در موسسه‌ی آموزشی ضروری است.

نتایج یافته‌ها نشان داد که سبک‌های حل مساله‌ی دانشجویان دارای رابطه‌ی معنی‌دار با میزان باور به

عزت نفس ضعیف و فقط ۱۲/۹ درصد دارای عزت نفس بالا می باشند. این بدان معنی می باشد که حدود یک چهارم دانشجویان از عزت نفس پایینی برخوردار می باشند.

به منظور پیش بینی باور به خودکارآمدی دانشجویان بر پایه‌ی سبک‌های حل مساله و عزت نفس از تحلیل رگرسیون ترتیبی استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های حل مساله و عزت نفس در مجموع ۵۷/۲ درصد (بر اساس آماره‌ی ناگل کرک) از تغییرات متغیر باور به خودکارآمدی دانشجویان را تبیین می کنند. به طور خلاصه، بر اساس نتایج تحقیق، می توان گفت که بهبود عزت نفس دانشجویان و افزایش استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی خلاقیت و گرایش و کاهش استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی درماندگی و مهارگری باعث افزایش میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان خواهد شد.

با توجه به مجموعه‌ی یافته‌های این پژوهش به نظر می رسد درصد زیادی از دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی از باور به خودکارآمدی لازم برخوردار نیستند لذا پیشنهاد می گردد، اولیای امور و مدیران آموزشی با اصلاح الگوهای آموزشی در جهت تقویت این مهم اقدامات لازم را صورت دهند. همچنین پیشنهاد می گردد دانشجویان به استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی مدار و اجتناب از سبک‌های حل مساله‌ی هیجان مدار تشویق شوند.

هر صورت، به همان اندازه که اتخاذ سبک‌های سازنده‌ی حل مساله، به بهبود باور به خودکارآمدی منتهی می شود، به کارگیری سبک‌های غیر سازنده نیز رفته رفته، باورهای خودکارآمدی افراد را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را کاهش می دهد. استفاده از سبک‌های حل مساله‌ی غیر سازنده، در مقابل مسائل و موقعیت‌های پیچیده‌ی بیرونی، استفاده از امکانات عقلانی و روان شناختی را برای فرد غیرممکن می سازد (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۹۰). این احساس، توانمندی روانی و جسمانی را با سطحی از بازداری مواجه می سازد و به تدریج باور فرد به ظرفیت و توان خود و به اصطلاح خودکارآمدی فرد را کاهش می دهد. افزون بر این، می توان گفت که سبک‌های غیر سازنده‌ی حل مساله (درماندگی، مهارگری و اجتناب) نه تنها سطح فعالیت افراد را کاهش می دهند بلکه سبب بی تفاوتی و بی توجهی نسبت به مسائل و موقعیت‌های پیچیده، نیز می شود.

نتایج یافته‌ها نشان داد که بین عزت نفس و میزان باور به خودکارآمدی دانشجویان رابطه‌ی معنی دار مثبت وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعه‌ی لانکو و همکاران (۲۰۱۵)، صحرانورد و حسن (۲۰۱۲) همخوانی و با مطالعه‌ی ریلی و همکاران (۲۰۱۴) ناهمخوانی دارد. بنا بر این نتایج، با افزایش عزت نفس دانشجویان میزان باور به خودکارآمدی آنان افزایش پیدا می کند. نتایج یافته‌ها همچنین نشان داد که غالب دانشجویان (۶۲/۹ درصد) دارای عزت نفس متوسط می باشند. همچنین ۲۴/۳ درصد از آنان دارای

منبع‌ها

- آقا یوسفی، ع. شریف، ن (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های حل مسئله و بهزیستی شخصی در دانشجویان. اندیشه و رفتار. دوره ۶، شماره ۲۲. صص ۷۹-۸۸.
- بارانی، ش. اطهری، ز و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸) بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: استان کرمانشاه). فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۶، صص ۹۶-۷۳.
- برخوردار، م. شمس الملوک، ج. محمودی، م (۱۳۸۸). ارتباط گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس در دانشجویان پرستاری، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۹-۱۳. صص ۱۹-۱۳.
- زارغان، م. اسداله پور، ا و بخشی پور رودسری، ع. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های حل مساله با سلامت عمومی. مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۷۲.
- زمانی علایی، م و امیدی نجف‌آبادی، م (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر نیت کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۲۷، صص ۴۳-۵۶.

-کشاورز، م (۱۳۹۳) بررسی قصد کارآفرینی دانشجویان پیام نور و سازه‌های اثرگذار بر آن. فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۳، صص ۵۴۸-۵۲۹.

Baker, S. R. (2003). A prospective longitudinal investigation of social problem-solving appraisals on adjustment to university, stress, health, and academic motivation and performance. *Personality and Individual Differences*, 35(3), pp. 569-591.

-bandura, A. (1997). *self-efficacy: the exercise of control*. New York: W.H. Freeman.

-Cassidy, T. and Long, C. (1996). Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure. *British Journal of Clinical Psychology*, 35, 265-277.

-Chen, H. (2007). The relationship between EFL learners' self-efficacy beliefs and English performance. PhD dissertation. US: The Florida State University.

-Fleeman, W. (2003). *The Pathways to Peace Anger Management Workbook*: Hunter House.

-Gangadharappa, V, Pramod, T, Shiva, H. (2007) Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian J Pharm Ed Res*; 41:295-305.

-George, M. (2010). *7 Myths About Love Actually: The Journey*: John Hunt Publishing.

-Ghanbari-e-Hashem-Abadi, B. A., Bolghan-Abadi, M., Vafaei-e-Jahan, Z., Maddah-Shoorcheh, R. and Maddah-Shoorcheh, E. (2011). Comparison of the Effectiveness of the Transactional Analysis, Existential, Cognitive, and Integrated Group Therapies on Improving Problem-Solving Skills. *Psychology*, 2(4), 307-311

-Gholami, S. and Bagheri, M. S. (2013). Relationship between VAK learning styles and problem solving styles regarding gender and students' fields of study. *Journal of Language Teaching and Research*, 4(4), 700-706.

-Gregory, P. (2010). *The Psychology of Chronic Fatigue Syndrome*: Hallmark Press.

-Iancu, I., Bodner, E., & Ben-Zion, I. Z. (2015). Self esteem dependency, self-efficacy and self-criticism in social anxiety disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 58, 165-171.

-Isaksen, S. G., Dorval, K. B., & Treffinger, D. J. (2010). *Creative Approaches to Problem Solving: A Framework for Innovation and Change*: SAGE Publications.

-Jindrich, P. L. (2009). *Employment, Self-efficacy, and Childhood Abuse*: ProQuest.

-Karami, R., & Ismail, M. (2014). *Achievement Motivation in the Leadership Role of Extension Agents*: Cambridge Scholars Publisher.

-Lawton, G. (2015). *Beyond belief*. New Scientist.

-Lee, Y., & Lee, J. (2014). Enhancing pre-service teachers' self-efficacy beliefs for technology integration through lesson planning practice. *Computers & Education*, 73(0), 121-128.

-Pajares, F., & Urdan, T. C. (2006). *Self-efficacy beliefs of adolescents*: IAP.

-Reilly, E., Dhingra, K., & Boduszek, D. (2014). Teachers' self-efficacy beliefs, self-esteem, and job stress as determinants of job satisfaction. *International Journal of Educational Management*, 28(4), 365-378.

-Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*: Princeton University Press.

-Sahranavard, M., & Hassan, S. A. (2012). *The Relationship between Self-Concept, Self-Efficacy,*

Self-Esteem, Anxiety and Science Performance among Iranian Students. Middle-East Journal of Scientific Research, 12(9), 1190-1196.

-Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. Psychological reports, 51(2), 663-671.

-Sheth, J. (2011). Models of Buyer Behavior, Chapter 13: A Field Study of Attitude Structure and the Attitude-Behavior Relationship: Marketing Classics Press.

-Steers, R. M., Mowday, R. T., & Shapiro, D. L. (2004). Introduction to special topic forum: The future of work motivation theory. The Academy of Management Review, 379-387.

-Tan, A.-G., Li, T., & Neber, H. (2013). Creativity Self-Efficacy and Its Correlates Creativity, Talent and Excellence (pp. 107-119): Springer.

-Thomaes, S., Poorthuis, A., & Nelemans, S. (2011). Self-esteem. In B. Brown & M. Prinstein (Eds.), Encyclopedia of Adolescence. 316-324.

-Tounés, A., Gribaa, F., and Messeghem, K. (2015). An exploratory model of the environmental intention of SME directors in Tunisia. In Kyro, P, (2015) Handbook of Entrepreneurship and Sustainable Development Research, PP. 229-257: Edward Elgar Publishing Incorporated.

-Valencia, C. (2009). The Boost Your Self-esteem Workbook: Createspace Independent Pub.

-Wal, S. (2006). Education & Child Development: Sarup Book Publishers Pvt. Limited.

-Watt, A. H., (2007). The Impact of Managerial Virtuality on Employee Performance: Rensselaer Polytechnic Institute.

Relationship between Self-esteem, Problem Solving Styles and Self- efficacy Beliefs among Agricultural and Natural Resource Students at Zabol University, Iran

A. Gheyassi

Agricultural Extension Education Department, University of Zabol, Iran, Lecturer

Abstract

The main purpose of this study was to investigate relationship between self-esteem, problem solving styles and self-efficacy beliefs among agricultural and natural resource students, of the University of Zabol. The statistical population consisted of 3000 agricultural and natural resources students in 2013-2014 academic year from that, 210 students were randomly selected. Data were gathered through the application of an instrument was given to the academic staff of the department of Agricultural Extension and Education, University of Zabol to test its content validity. Ordinal theta was calculated to measure reliability of items of instrument ($\theta = 0.76 - 0.89$). Results showed that there were a significant relationship between problem solving styles, self- esteem and self-efficacy beliefs. Ordinal Regression analysis indicated that self-esteem and some problem solving styles were significantly correlated with self- efficacy beliefs. Also, the ordinal regression analysis showed that self-esteem and problem solving styles were explained 57.2% of variance of students' self- efficacy beliefs.

Index Terms: self-esteem, self-efficacy beliefs, problem solving style, agricultural and natural resource students

Corresponding Author: A. Gheyassi

Email: Gheyassia@gmail.com

Received: 13/06/2015 ; **Accepted:** 10/08/2015